

عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور:

نظریه زمینه‌ای

محمد نریمانی*

میر نادر میری**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور در قالب یک الگوی پارادایمی بود. برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش کیفی، نظریه زمینه‌ای مبتنی بر رویکرد اشتراوس و کوربین و مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. شرکت‌کنندگان شامل ۳۳ دانشجوی رتبه برتر کنکور در مقاطع و رشته‌های مختلف تحصیلی در سال ۱۳۹۵-۹۶ بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری نظری و اصل اشباع انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس سه روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه موفقیت تحصیلی به‌عنوان مقوله اصلی مبتنی بر مؤلفه دستیابی به اهداف است. از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این مقوله می‌توان به قبولی در دانشگاه‌های معتبر، رسیدن به مدارج عالی علمی و کسب تخصص در رشته تحصیلی اشاره کرد. همچنین از عوامل اثرگذار بر موفقیت تحصیلی می‌توان به غایت‌نگری و خودباوری به‌عنوان شرایط علی؛ حمایت خانوادگی و امکانات آموزشی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای؛ هوش تحصیلی به‌عنوان شرایط واسطه‌ای و پشتکار و برنامه‌ریزی به‌عنوان راهبرد اشاره کرد. مقوله مرکزی به دست آمده، انگیزش موفقیت تحصیلی است که تمام عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی را در بر گرفته و نیز پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش یعنی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی است.

واژه‌های کلیدی: الگوی پارادایمی، رتبه‌های برتر کنکور، موفقیت تحصیلی، نظریه زمینه‌ای

* استاد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

** دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، (نویسنده مسئول).

پست الکترونیک: nadermiri@yahoo.com

مقدمه

دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی از اثرگذارترین عوامل توسعه کشورها است. نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی به جهت نقش مهم و خطیری که در امر تعلیم و تربیت نیروی انسانی کارآمد و مؤثر به عهده دارند، از نهادهای مهم و زیربنایی در جامعه به شمار می‌روند. به همین علت منابع مالی و انسانی بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان گفت که این نهادها، زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند (حسین پور، ۱۳۸۹). در این راستا موفقیت تحصیلی^۱ افراد (دانش‌آموزان و دانشجویان) از جمله اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی و از جمله مهم‌ترین نگرانی معلمان، مشاوران، استادان، مسئولین آموزش دانشگاه و خانواده‌ها است (سلملیان و کاظم نژاد، ۱۳۹۳؛ تمنایی فر و گندمی، ۱۳۹۰؛ سراوانی، ۱۳۸۹).

با اینکه در ادبیات مرتبط، پیشرفت تحصیلی و موفقیت تحصیلی به‌عنوان دو مفهوم جایگزین استفاده می‌شوند، اما بین دو مفهوم پیشرفت تحصیلی^۲ و موفقیت تحصیلی مرزبندی خاصی وجود دارد؛ بدین گونه که پیشرفت تحصیلی به معنای رسیدن به مرحله بالاتر اهداف است درحالی‌که موفقیت تحصیلی نشان‌دهنده موفقیت همراه با عملکرد بالا است (جود^۳، ۲۰۰۲ نقل از میهالا^۴، ۲۰۱۵). پیشینه‌ها نشان می‌دهند که غالباً سه مؤلفه برای موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از نمره^۵، یادآوری^۶ و رضایت^۷ (کمرا^۸، ۲۰۰۵ نقل از تراپمن، هل، هیرن و شولر^۹، ۲۰۰۷).

-
1. academic success
 2. academic achievement
 3. Jude
 4. Mihaela
 5. grades
 6. retention
 7. satisfaction
 8. Camara
 9. Trapmann, Hell, Hirn & Schuler

دانشجویان به واسطه موفقیت در تحصیل به موقعیتی دست می‌یابند که از حداکثر نیروی درونی و بیرونی خود برای دستیابی به اهداف آموزش عالی استفاده کرده و شرایط لازم را برای زندگی اجتماعی موفق مانند شغل مناسب و درآمد کافی کسب می‌کند. برعکس، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، ریشه بسیاری از انحراف‌ها و بزهکاری‌ها، نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های روانی-عاطفی نیز به شکل مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با افت تحصیلی یا عدم موفقیت است (حسین پور، ۱۳۸۹؛ ظریف قاسمیان، ۱۳۹۵). آمار بسیار بالای افت تحصیلی به صورت ترک تحصیل، اخراج و توقف در تحصیل از نظر هزینه‌های آموزشی، هرساله خسارت‌های زیادی را به آموزش و پرورش و آموزش عالی در کشورهای جهان وارد می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز با افزایش افت تحصیلی در آموزش عالی همه‌ساله بخشی از منابع انسانی و اقتصادی جامعه در دانشگاه‌ها با اخراج، ترک تحصیل، انصراف، مردودی و مشروطی دانشجویان ضایع گردد و آثار و پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی فراوانی به وجود آورد. در کشور ما، این امر از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام آموزشی است و هرساله ده‌ها میلیارد از بودجه کشور را به هدر می‌دهد و نیروهای بالقوه و سرمایه‌های جامعه که همان نیروی انسانی است بی‌ثمر می‌ماند (سلملیان و کاظم نژاد، ۱۳۹۲)؛ بنابراین توجه به عواملی که منجر به موفقیت تحصیلی شده و مانع از افت آن می‌گردد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امروزه موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، به‌عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. موفقیت تحصیلی یادگیرندگان نیز از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد استادان و معلمان محسوب می‌شود. برای دانشجویان نیز معدل تحصیلی معرف توانایی‌های علمی آن‌ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است. توجه به موفقیت تحصیلی حائز اهمیت است زیرا آنچه می‌تواند یک فرد، خانواده و یک کشور را در مسیر پیشرفت، بیش از همه

یاری دهد، بهره‌مندی از افرادی است که در امر آموزش، تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند (ظریف قاسمیان، ۱۳۹۵).

مطالعات زیادی در زمینه عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته است. سراوانی (۱۳۸۹) نشان داده است که جنس، شغل پدر، معدل دیپلم و وضعیت اقتصادی خانواده بر موفقیت تحصیلی تأثیرگذار است. پژوهشی که توسط زکی (۱۳۸۴) انجام گرفته است نشان می‌دهد که علاوه بر جنس، نوع مدرسه، طبقه اجتماعی و رضایت اجتماعی نیز با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری دارند. از سایر عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی می‌توان بر هوش هیجانی (زاهدبابلان و معینی‌کیا^۱، ۲۰۱۰؛ مارکوز، مارتین و براکت^۲، ۲۰۰۶؛ ویلیفرد^۳، ۲۰۰۰)، حرمت خود^۴ (سلملیان و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۳؛ زکی، ۱۳۸۴؛ لوکت و هارل^۵، ۲۰۰۳)، امید (اشنایدر، شوری، چاونز، پولورس، آدامز و ویکلوندا^۶، ۲۰۰۲؛ ابراهیمی، صباغیان و ابوالقاسمی، ۱۳۹۰)، سلامت عمومی، انگیزش پیشرفت (مولازاده، حمایلی، غلامی، مرتضوی، دولتخواه و قدسی، ۱۳۹۳) و راهبردهای شناختی و فراشناختی (کوئینهو^۷، ۲۰۰۷؛ رضانژاد، رضانژاد، نوریان، غفاریان و حسن‌زاده، ۱۳۹۳؛ صالحی، یارقلی و متقی، ۱۳۹۲) اشاره کرد. وان امرینگن، مانسینی و فارولدن^۸ (۲۰۰۳) و کسلر، فاستر، ساندرز و استنگ^۹ (۱۹۹۵) در پژوهش‌های خود نشان دادند که اختلال‌های اضطرابی با عدم موفقیت تحصیلی رابطه دارد. حنیفی و امینی (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که بین سبک‌های مقابله‌ای و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای معکوس وجود دارد. از عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت تحصیلی نیز

-
1. Zahed-Babelan & Moeinikia
 2. Marques, Martin & Brackett
 3. Williford
 4. self esteem
 5. Lockett & Harrell
 6. Snyder, Shorey, Cheavens, Pulvers, Adams & Wiklund
 7. Coutinho
 8. Van Amerigen, Mancini & Farvolden
 9. Kessler, Foster, Saunders & Stang

می‌توان بر حمایت خانوادگی (دنیز، فینی و چوتکوا، ۲۰۰۵، هووارث و فیشر، ۱۳۸۸؛ سندرز^۲، ۲۰۰۸ به نقل از ابوالحسنی، ۱۳۸۹؛ یاراحمدی و مرادی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. زاهدانی، رضائی، یزدانی، باقری و نابئی (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داده‌اند که بین سبک اقتدارگرایی والدین و موفقیت تحصیلی فرزندان رابطه منفی وجود دارد. راس، ویسون، لینو، اوت، پالاس، سرو و ویسون^۳ (۲۰۰۷) بیان کرده‌اند که پارامترهای جو مدرسه از جمله نظام ارزشی مدرسه و نگرش معلم نسبت به دانش‌آموزان بر سلامت روانی دانش‌آموز و موفقیت تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱) موفقیت تحصیلی از نظر رتبه‌های برتر کنکور چگونه تعریف می‌شود؟ (۲) چه عواملی بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور تأثیر داشته است؟ (۳) موفقیت تحصیلی چه پیامدهایی برای رتبه‌های برتر کنکور داشته است؟

روش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر فهم معنای موفقیت تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از طریق پرسش از رتبه‌های برتر کنکور و نیز ارائه الگویی برای این فرایند بود، برای انجام پژوهش و تحلیل داده‌ها از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای با رویکرد اشتراوس و کوربین استفاده شد. نظریه زمینه‌ای یک روش پژوهش استقرایی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای اطلاعات بپردازند. در این روش، بر مبنای نظر اشتراوس و کوربین، ترجمه ابراهیم افشار، (۱۳۹۲) با استفاده از شیوه‌های منظم گردآوری داده‌ها، کدگذاری باز^۴ یعنی مشخص کردن

-
1. Dennis, Phinney & Chuateco
 2. Sanders
 3. Ruus, Veisson, Leino, Ots, Pallas, Sarv & Veisson
 4. open coding

مفاهیم و مقوله‌ها صورت گرفت و کدگذاری محوری^۱ یعنی برقراری رابطه میان این مقوله‌ها انجام شد. در آخر، در کدگذاری گزینشی^۲ به یکپارچه کردن و پالایش نظریه پرداخته شد که اولین گام در آن تعیین مقوله مرکزی^۳ است و این مقوله مرکزی دارای قدرت تحلیل است و این توانایی را دارد که مقوله‌ها را برای توضیح کل مطلب به هم نزدیک کند؛ بدین صورت نظریه تدوین گردید.

جامعه پژوهش را رتبه‌های برتر کنکور در مقاطع تحصیلی کارشناسی (آزمون سراسری)، کارشناسی ارشد و دکتری از دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی در سال ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری هدفمند-نظری^۴ بود. تعداد نمونه مورد مصاحبه بر اساس اصل اشباع ۳۳ نفر در نظر گرفته شد که شامل ۱۱ دانشجوی کارشناسی، ۹ دانشجوی کارشناسی ارشد، ۶ دانشجوی دکتری و ۷ دانشجوی پزشکی بود. این تعداد را ۲۰ مرد و ۱۳ زن تشکیل دادند. بر اساس اصل اشباع، زمانی که پژوهشگر به این نتیجه برسد که انجام مصاحبه‌های بیشتر، اطلاعات بیشتری در اختیار وی قرار نداده و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه بود.

در هر دو روش کمی و کیفی، پژوهشگران نیازمند اثبات این نکته هستند که پژوهش‌هایشان معتبر است. در روش کیفی، منظور از تعیین اعتبار این است که نظریه نهایی از داده‌ها استخراج شده باشد. برای تعیین اعتبار طرح نظری چندین راه وجود دارد که در این مطالعه موارد زیر انجام گرفته است:

۱- به عقب برگشته و نظریه با داده‌های خام مقایسه شد؛ زیرا تحلیل باید بتواند اکثر موردهای موجود در داده‌ها را توضیح دهد.

۲- داستان برای تعدادی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه شده است بازگو شد و از آن‌ها خواسته شد تا در مورد میزان انطباق آن با مورد خودشان نظر بدهند. در این پژوهش،

-
1. axial coding
 2. selective coding
 3. core category
 4. purposive-theoretical sampling

برای تعیین اعتبار مطالب، قسمت‌هایی از اطلاعات مربوط به هر کدام از مقوله‌ها یا همان داده‌های خام، در ذیل هر مقوله آورده شده است.

یافته‌ها

سؤال‌های محوری پژوهش عبارت بودند از (۱) فهم افراد برتر کنکور از موفقیت تحصیلی چیست؟ (۲) چه عواملی بر موفقیت تحصیلی تأثیرگذار است؟ (۳) موفقیت تحصیلی چه پیامدهایی را برای فرد داشته است؟ با استفاده از نظریه زمینه‌ای به این سؤال‌ها پاسخ داده شد. داده‌های گردآوری‌شده به صورت جمله به جمله جهت استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری باز شدند که حدود ۴۰ مفهوم و ۱۴ مقوله عمده در این مرحله به دست آمدند. در مرحله کدگذاری محوری، این مقوله‌های عمده با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و زمینه تشکیل یک مدل زمینه‌ای را فراهم آوردند. این مرحله دربرگیرنده ۶ مؤلفه مطرح‌شده در الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین بود که عبارت‌اند از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط واسطه‌ای، مقوله اصلی، راهبردها و پیامدها. مقوله‌های عمده در قالب این مؤلفه‌ها دوباره کدبندی شدند. مقوله اصلی موفقیت تحصیلی بود و سایر مقوله‌ها ابعاد شرایطی، راهبردی و پیامدی مدل را تشکیل می‌دادند. در سومین مرحله یعنی کدگذاری گزینشی، مقوله مرکزی مطرح شد. در این مطالعه مقوله مرکزی به دست آمده، انگیزش موفقیت تحصیلی^۱ بود (جدول ۱).

جدول ۱. مفاهیم و مقولات عمده و مقوله مرکزی استخراج شده
به تفکیک ابعاد شریطی، تعاملی و پیامدی

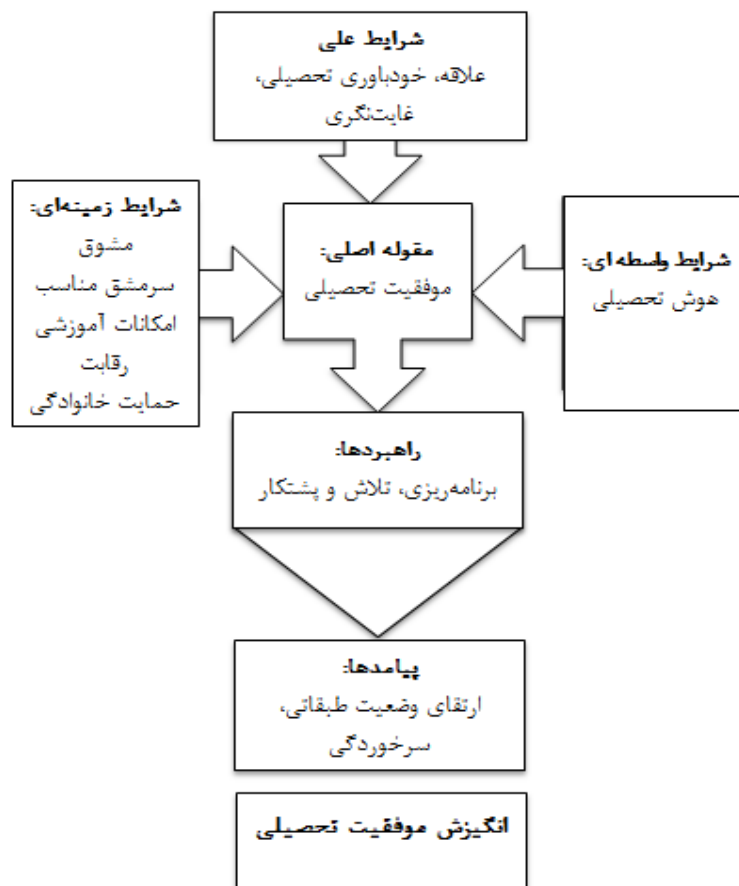
ردیف	مفاهیم	مقولات عمده	نوع مقوله	مقوله مرکزی
۱	علاقه	علاقه	شرایط علی	
۲	اعتماد به خود، عدم اضطراب، خودشناسی	خودباوری	شرایط علی	
۳	هدف، انگیزه	غایت‌نگری	شرایط علی	
۴	رقابت	رقابت	شرایط زمینه‌ای	آزادگی مدرسه
۵	امکانات مدرسه، کتاب‌های آموزشی و تستی، کلاس کنکور،	امکانات آموزشی	شرایط زمینه‌ای	آزادگی مدرسه
۶	تشویق دوستان، تشویق خانواده، تشویق معلم و مشاور	داشتن مشوق	شرایط زمینه‌ای	آزادگی مدرسه
۷	داشتن سرمشق	الگو	شرایط زمینه‌ای	آزادگی مدرسه
۸	سازمان‌دهی مطالب، برنامه‌ریزی، مدیریت حواشی، تمرکز بر درس خوانی	برنامه‌ریزی	راهبرد	آزادگی مدرسه
۹	بهره‌هوشی، حافظه قوی، فهم و درک قوی دروس، فهم ساختار مفهومی درس	هوش	شرایط واسطه‌ای	آزادگی مدرسه
۱۰	عدم ناامیدی و تسلیم، سعی و تلاش، پشتکار و اراده، توانایی تحمل سختی‌های مسیر	پشتکار و اراده	راهبرد	آزادگی مدرسه
۱۱	حمایت مالی خانواده، حمایت عاطفی خانواده، همراهی خانواده، برقراری آرامش توسط خانواده	حمایت خانوادگی	شرایط زمینه‌ای	آزادگی مدرسه
۱۲	کسب درآمد بیشتر، کسب شغل مناسب	ارتقای وضعیت طبقاتی	پیامد	
۱۳	عدم جذابیت رشته و دانشگاه، عدم اشتغال، پایین بودن سطح علمی دانشگاه	سرخوردگی	پیامد	
۱۴	دست‌یابی به اهداف تحصیلی	موفقیت تحصیلی	مقوله اصلی	

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به اظهارات شرکت‌کنندگان، می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت تحصیلی به‌عنوان مقوله اصلی، عبارت است از دستیابی به اهداف در حوزه تحصیلی فرد. اهداف مطرح‌شده توسط این افراد شامل قبولی در دانشگاه‌های معتبر، قبولی در رشته‌های خاص، رسیدن به مدارج عالی علمی، کسب تخصص در رشته تحصیلی و ممتاز شدن در بین هم‌دوره‌ای‌ها است. برای مثال:

«فرد A: به نظر من وقتی فرد در دانشگاه و یا رشته‌ای که به آن علاقه دارد قبول می‌شود، موفق است.»

فرد B: اگر فرد در رشته تحصیلی خود بتواند تخصص لازم را کسب کند، موفق است»
موفقیت تحصیلی تحت تأثیر یک سری شرایط قرار دارد. این شرایط در سه دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از شرایط علی (غایت‌نگری، خودباوری و علاقه)، شرایط زمینه‌ای (امکانات آموزشی، رقابت، وجود مشوق و سرمشق) و شرایط واسطه‌ای یا مداخله‌گر (هوش تحصیلی). این شرایط در کنار یکدیگر بر موفقیت تحصیلی افراد تأثیرگذار هستند. در مدل زیر سعی شده است که با تکیه بر درک رتبه‌های برتر کنکور، شرایط و بسترهای موفقیت تحصیلی آن‌ها ترسیم شود.



غایت‌نگری^۱: در این مطالعه غایت‌نگری دارای دو مؤلفه انگیزه و هدف بود که بر موفقیت تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارد. بر اساس مکتب آدلر^۲ غایت‌نگری معنای نگرش مشاهده‌گر به سمت جلو است. از نظر وی فرد در ساختن آینده خود نقش دارد و آینده واقعی چیزی است که ما به سمت آن جهت‌گیری کرده‌ایم. از نظر آدلر اهداف و انگیزه فرد در جهت‌گیری و شکل‌دهی آینده او نقش مهمی دارند. آدلر تأکید عمده‌ای بر مفهوم غایت‌نگری داشت. از نظر او آنچه در جهت‌گیری فرد مؤثر است، اتفاقی نیست

1. teleology

2. Adler

که قبلاً افتاده، بلکه آن چیزی است که فرد دوست دارد انجام شود (بوئری^۱، ۲۰۰۶).
برای مثال:

«فرد باید انگیزه و هدف داشته باشد تا بتواند موفق شود. من اگر هدفی نداشتم مسلماً تلاش هم نمی‌کردم در نتیجه موفق نمی‌شدم»

خودباوری^۲ تحصیلی: باورها و احساس‌های افراد نسبت به خود در زمینه تحصیل تعیین‌کننده مهم موفقیت تحصیلی است (بن^۳، ۱۹۹۱). در این راستا، زیمرمن^۴ (۱۹۹۵) و وایل^۵ (۱۹۷۹) نقل از ولنتاین، پیوس و کوپر^۶، (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند که خودباوری تحصیلی در مقایسه با خودباوری عمومی تأثیر بیشتری بر موفقیت تحصیلی دارد. برخلاف این نقطه‌نظر، املر^۷ (۲۰۰۰) نقل از ولنتاین، پیوس و کوپر، (۲۰۰۴) اشاره دارد که دیگران استدلال کرده‌اند که خودباوری با پیشرفت تحصیلی بی‌ارتباط است؛ اما در این مطالعه از نظر افراد دارای رتبه‌های برتر کنکور، خودباوری تحصیلی یکی از عواملی است که بر موفقیت تحصیلی آنان تأثیرگذار بوده است. مؤلفه‌های خودباوری شامل عدم اضطراب و داشتن اعتماد به خود است. برای مثال:

«من می‌دانستم در کنکور قبول می‌شوم چون به خودم ایمان داشتم. می‌دانستم از پس آن برمی‌آیم، استرس هم نداشتم. استرس بیشتر ذهن آدم را درگیر می‌کند و مانع رسیدن او به هدف می‌شود»

علاقه: علاقه انعکاس‌دهنده آگاهی و ارزش‌گذاری نسبت به یک موضوع موردعلاقه (هندرسون، مارکس و کیم^۸، ۱۹۹۹) و یکی از معیارهای موفقیت تحصیلی است. بلوم در مدل یادگیری تحصیلی خود شواهدی به دست آورده است که علاقه و انگیزه افراد، هم نقش علت را بازی می‌کند و هم معلول. به عبارت دیگر، یادگیرندگان علاقه‌مند

-
1. Boeree
 2. self-beliefs
 3. Beane
 4. Zimmerman
 5. Wylie
 6. Valentine, Pubios & Cooper
 7. Emler
 8. Henderson, Marx & Kim

نسبت به یادگیرندگان کم علاقه موفقیت بیشتری را کسب می‌کنند. این موفقیت بیشتر، سطح علاقه و انگیزه آن‌ها را نسبت به موضوع و موضوع‌های مشابه افزایش می‌دهد (سیف، ۱۳۷۷). بی‌علاقگی نسبت به تحصیل ممکن است انگیزه موفقیت و پیشرفت تحصیل را کاهش دهد و در نتیجه افت تحصیلی و ترک تحصیل بروز کند. برای مثال: «من عاشق درس خواندن هستم. وقتی درس می‌خوانم احساس آرامش و راحتی می‌کنم...»

از موارد زمینه‌ای برای تبیین موفقیت تحصیلی، وجود محیط رقابتی، داشتن سرمشق، مشوق و امکانات آموزشی است. این عوامل زمینه‌ای در بروز پدیده مورد مطالعه یعنی موفقیت تحصیلی نقش اساسی دارند. به گونه‌ای که شرایط زمینه‌ای مختلف اثرهای متفاوتی بر موفقیت تحصیلی دارند. بندورا^۱ (۱۹۶۱) بیان می‌کند که یادگیری می‌تواند از طریق مشاهده یا سرمشق رخ دهد و نه صرفاً به وسیله تقویت مستقیم (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر از نظر وی، هر دو عامل سرمشق و تقویت مستقیم بر فرایند یادگیری و به تبع آن بر موفقیت تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارد. به طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که در محیط‌های مختلف تشویق‌ها، سرمشق‌ها و امکانات تحصیلی مختلفی وجود دارد که برخی در زمینه موفقیت تحصیلی نقش مانع یا بازداری را ایفا می‌کنند و افراد را از تحصیل و موفقیت تحصیلی بازمی‌دارند، در حالی که برخی عوامل دیگر مانند وجود امکانات آموزشی مناسب باعث موفقیت تحصیلی می‌گردد. محیط‌های رقابتی نیز شرایط متفاوتی نسبت به محیط‌های همکاری به وجود می‌آورند؛ بنابراین ممکن است در افراد، انگیزه موفقیت را تقویت کنند. برای مثال:

«در شهری که من در آن زندگی می‌کنم امکانات آموزشی مناسب مثل مدرسه با امکانات خوب، کلاس‌های آموزشی، کلاس کنکور و ... وجود داشت و من در این کلاس‌ها شرکت می‌کردم ... پدر و مادرم، مشاور مدرسه و بعضی از دوستانم مرا برای درس خواندن و ادامه تحصیل تشویق می‌کردند.»

حمایت خانوادگی^۱: یکی از شرایط زمینه‌ای مهم خانواده است که نقش مهمی بر موفقیت و شکست تحصیلی افراد دارد (دیرینگ^۲، ۲۰۰۹ نقل از قنبرپور، فرح‌بخش و اسمعیلی، ۱۳۹۱؛ تورکام، کیلتاس، بییک و یمنیسی^۳، ۲۰۰۵؛ بیابانگرد، ۱۳۸۷). یکی از عوامل مرتبط با خانواده، حمایت خانوادگی است که با پیشینه پژوهش همسو است (هووارث و فیشر، ۱۳۸۸؛ سندرز، ۲۰۰۸ نقل از ابوالحسنی، ۱۳۸۹؛ یاراحمدی و مرادی، ۱۳۹۱). کوهن و ویلز^۴ (۱۹۸۵ نقل از ایگلسیا، استور و لیپراس^۵، ۲۰۱۴) بیان کرده‌اند: حمایت خانوادگی به دو شیوه مختلف بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند: ۱. تأثیر مستقیم که تأثیر عمومی حمایت است. ۲. تأثیر غیرمستقیم که تأثیر میانی هم نامیده می‌شود، فرد را از آثار منفی وضعیت‌های تنیدگی‌زا حفاظت می‌کند. حوزه دانشگاه مکرراً به‌عنوان منبع تنیدگی شناسایی شده است و حمایت‌های والدین می‌تواند تنیدگی‌های ناشی از حیطه تحصیلی را کاهش دهد و بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان تأثیر بگذارد (ایگلسیا و همکاران، ۲۰۱۴؛ مک‌کینون^۶، ۲۰۱۲). در این مطالعه، حمایت‌های مالی و عاطفی خانواده، همراهی و فراهم ساختن محیط آرام و ایجاد آرامش از مؤلفه‌های حمایت خانوادگی بودند. برای مثال:

«وقتی در خانه درس می‌خواندم اعضای خانواده‌ام سعی می‌کردند بلند صحبت نکنند، سروصدا نمی‌کردند تا جایی که ممکن بود سعی می‌کردند مهمان دعوت نکنند و از من هم توقع نداشتند در خانه کار کنم»

شرایط واسطه‌ای شرایط کلی و وسیعی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارد. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده شرایط واسطه‌ای موردنظر در این پژوهش هوش تحصیلی بود. در این مطالعه، مؤلفه‌های هوش

-
1. family support
 2. Dearing
 3. Turkum, Kiltas, Biyik & Yemenici
 4. Cohen & Wills
 5. Iglesia, Stover & Liporace
 6. Mackinon

تحصیلی عبارت‌اند از: بهره‌های هوشی، حافظه قوی، فهم و درک قوی دروس، فهم ساختار مفهومی درس. برای مثال:

«من و چند نفر از بچه‌های کلاس با یکدیگر رقابت می‌کردیم و این باعث می‌شد برای رسیدن به هدفم بیشتر تلاش کنم ... البته در این زمینه ضریب هوشی و حافظه قوی نیز مهم است»

راهبردها، تعامل یا استراتژی‌هایی هستند که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به مقوله اصلی انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲). در مطالعه حاضر راهبرد مذکور را می‌توان در قالب برنامه‌ریزی و تلاش و پشتکار دسته‌بندی کرد. برای موفقیت تحصیلی درگیر شدن و تلاش و پشتکار (مشغولیت) لازم است. راهبرد اول بر تلاش و پشتکار فرد اشاره دارد. در فرایند موفقیت تحصیلی عوامل مداخله‌گر بازدارنده گوناگونی وجود دارد که باید با آن‌ها مقابله کرد. برای این کار تلاش و پشتکار و برنامه‌ریزی لازم است. مشغولیت با میل به جریان داشتن مشخص می‌شود. جریان داشتن حالتی از غرق شدن در یک فعالیت فی‌نفسه لذت‌بخش است. غالباً مشغولیت نوعی تمرکز عمیق است و فرد تا بالاترین حد ظرفیتش کار می‌کند (سیکزنتمیهایلی و ناکامورا^۱، ۲۰۱۰ نقل از هژبریان، بیگدلی، نجفی و رضایی، ۱۳۹۳). از نظر ایر، جونز و بیرلی^۲ (۱۹۹۰) نقل از زمینی، حسینی نسب و هاشمی، ۱۳۸۶) اصول اساسی برنامه‌ریزی به‌عنوان راهبرد دوم، بر ارتباط مؤثر، آگاهی از هدف و انعطاف‌پذیری استوار است. برنامه‌ریزی با تأکید بر هدف‌گذاری و تنظیم فعالیت‌ها و مدیریت زمان می‌تواند موفقیت افراد در رسیدن به اهدافشان را تسهیل کند (لويس^۳، ۲۰۰۳). هیچ کاری بدون برنامه‌ریزی فعالیتی کامل نخواهد بود. در این مطالعه، مؤلفه‌های برنامه‌ریزی سازمان‌دهی مطالب، برنامه‌ریزی، مدیریت حواشی، تمرکز بر درس خواندن بودند. برای مثال:

-
1. Csikszentmihalyi & Nakamura
 2. Eicher, Jones & Bearly
 3. Lewis

«برای اینکه بتوانم در کنکور قبول شوم همه تلاشم را کردم ... بر درس‌هایم تمرکز کرده و مسائل دیگر را کنار گذاشتم ... با کمک مشاور مدرسه‌مان برنامه‌ریزی کردم ...»

موفقیت در تحصیل برای زندگی محصلان پیامد یا نتایجی دربر دارد که می‌توان تحت عناوین ارتقای وضعیت طبقاتی و سرخوردگی مطرح کرد. طبقه اجتماعی مفهومی است که از سه مؤلفه میزان درآمد، میزان تحصیلات و منزلت شغلی تشکیل می‌شود. میزان تحصیلات و نوع رشته تحصیلی به‌نوبه خود می‌تواند بر نوع شغل و به‌تبع آن بر منزلت شغلی و میزان درآمد تأثیر بگذارد. به همین دلیل افراد برتر رشته پزشکی مطرح کرده‌اند که موفقیت آن‌ها در تحصیل بر نوع شغل و میزان درآمد و به‌طورکلی بر بهبود یا ارتقای وضعیت طبقاتی آن‌ها تأثیر گذاشته است؛ اما افراد سایر رشته‌ها بیان کرده‌اند که موفقیت تحصیلی برای آن‌ها همراه با سرخوردگی و ناامیدی بوده است چراکه هیچ‌کدام از انتظارات آن‌ها برآورده نشده است؛ نه بازار کاری برای آن‌ها وجود دارد و نه دانشگاه از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار دارد. برای مثال:

«فرد p: هرکس در رشته پزشکی درس بخواند می‌داند که فردا علاوه بر اینکه یک کار درست و حسابی دارد، درآمد بالایی هم دارد و می‌تواند زندگی خوبی برای خانواده‌اش فراهم کند. برای همین است که تلاش کردم در این رشته قبول شوم و خدا رو شکر که تلاشم بی‌نتیجه نبود.»

فرد z: ما که با مدرک دکتری بیکاریم فقط درس می‌خوانیم و هزینه می‌کنیم. این‌طور که پیداست باید مدرکمان را درون کوزه کنیم و آبش را بخوریم»

به‌طور خلاصه، موفقیت تحصیلی تحت تأثیر یک سری شرایط یا مکانیسم‌های علی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان عاملیت ساختار مطرح کرد. مقوله‌های خودباوری، غایت‌نگری، علاقه و هوش تحصیلی در بخش عاملیت و شرایط محیطی و اجتماعی که در این مطالعه با مقوله‌های امکانات آموزشی، وجود مشوق بیرونی و الگوهای مناسب و نیز محیط‌های رقابتی مشخص می‌شوند در بخش ساختار قرار می‌گیرند که در تعامل با یکدیگر بر موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. افراد برای

مواجهه با موفقیت تحصیلی و مقابله با عوامل بازدارنده به راه‌حل یا راهبردهایی نیاز دارند و آن تلاش و پشتکار و برنامه‌ریزی است. مسلم است که هیچ تلاشی بدون برنامه‌ریزی فعالیت کاملی نخواهد بود. هر پدیده‌ای به لحاظ کارکردی می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی داشته باشد. موفقیت در تحصیل نیز از این قاعده مستثنا نیست و نتایجی در پی دارد که برای افراد مورد مطالعه در این پژوهش از جنبه مثبت به ارتقای وضعیت طبقاتی و از جهت منفی باعث سرخوردگی و ناامیدی شده است؛ زیرا انتظارات افراد برآورده نشده است.

انگیزش موفقیت تحصیلی مقوله‌ای است که انتزاعی‌ترین سطح مفهومی را داشت و تمام عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی را در برمی‌گرفت و نیز پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش یعنی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی بود. انگیزش، پدیده‌ای است که تحت تأثیر چهار عامل، موقعیت (محیط و محرک‌های بیرونی)، مزاج (حالت و وضعیت درونی ارگانیزم)، هدف (هدف رفتار، منظور و گرایش) و ابزار (ابزار دستیابی به هدف) قرار دارد (یوسفی، قاسمی و فیروزنیا، ۱۳۸۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که انگیزش، علت‌ها و دلایل رفتار آدمی را نشان می‌دهد و در تمام رفتارها از جمله یادگیری، ادراک، دقت و تفکر اثر دارد (براهنی، ۱۳۶۹ نقل از اندیشمند و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۲۶۷). یا به عبارت دیگر، می‌توان آن را به‌عنوان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت‌دهنده آن تعریف کرد (سیف، ۱۳۷۹ نقل از شریعتمدار و نعیمی، ۱۳۹۴: ۱۹۲). در زمینه موفقیت تحصیلی، انگیزش موفقیت، به‌منزله تمایل به تلاش توسط فرد برای کسب موفقیت است (آچاریا و جوشی، ۲۰۰۹ نقل از لطفی، افروز، درتاج و طاوسی، ۱۳۹۴: ۲) و دلایل و علت‌های موفقیت افراد را نشان می‌دهد؛ بدین گونه که خانواده، الگوها، مشوق‌ها، امکانات آموزشی و رقابت به‌عنوان محیط و محرک‌های بیرونی، علاقه، غایت‌گرایی، خودباوری و هوش تحصیلی به‌عنوان حالت و وضعیت درونی افراد و برنامه‌ریزی و تلاش و پشتکار به‌عنوان ابزار

دست‌یابی به هدف‌اند. در صورت ترکیب و تعامل مناسب این عوامل، پدیده موفقیت تحصیلی قابل‌انتظار است.

باید به این نکته توجه داشت که پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه موفقیت تحصیلی، به فرایندی بودن این مسئله توجهی نداشته‌اند؛ بنابراین وجه تمایز این پژوهش، طراحی مدلی برای فرایند موفقیت تحصیلی بود که عوامل اثرگذار، زمینه‌ساز، مداخله‌گر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده موفقیت تحصیلی را به تفکیک ارائه کند و به پیامدهای آن نیز توجه داشته باشد. همچنین یافته‌های این پژوهش، مفهومی با عنوان انگیزش موفقیت تحصیلی را پیشنهاد داد که تمام عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، ابزار دست‌یابی به هدف و نیز هدف را در برمی‌گیرد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به عدم تعمیم‌پذیری آن اشاره کرد که به علت استفاده از روش کیفی و نیز نمونه پژوهش حاضر که رتبه‌های برتر کنکور را شامل می‌شود قابل‌تعمیم به تمام دانشجویان نیست. بر مبنای این پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد که بی‌اعتنایی و بی‌توجهی اطرافیان به موفقیت محصلان در حوزه تحصیل، می‌تواند باعث کاهش انگیزه موفقیت در آن‌ها شود و به تبع آن زمینه را برای ایجاد افت تحصیلی فراهم کند. با توجه به این نکته که افت تحصیلی ریشه بسیاری از انحراف‌هاست و حتی می‌تواند به عدم رشد و توسعه کشور منجر گردد، بنابراین لازم است خانواده‌ها و مسئولین در ایجاد شرایط مساعد برای موفقیت محصلین تلاش بیشتری داشته باشند.

منابع

- ابراهیمی، نسرين؛ صباغیان، زهرا و ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۰). بررسی رابطه امید با موفقیت تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۶۰، ۱-۱۶.
- ابوالحسنی، منصوره. (۱۳۸۹). *بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های موفقیت بین سه گروه رتبه‌های برتر، متوسط و پذیرفته‌نشده‌گان آزمون سراسری ۱۳۸۹-۱۳۸۸*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- اشتراوس، ا؛ و کربین، ج. (۲۰۰۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ا. افشار (۱۳۹۲) چاپ سوم. تهران: نی.
- اندیشمند، ویدا و ابراهیمی، عهدیه. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش موقعیت کنترل بر هدف گذاری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه سیرجان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۰(۳۵)، ۲۶۶-۲۷۹.
- سعدی‌پور (بیابانگرد)، اسماعیل. (۱۳۸۷). *روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- تمنایی‌فر، محمدرضا و گندمی، زینب. (۱۳۹۰). رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. *راهبردهای آموزش*، ۴(۱)، ۱۵-۱۹.
- حسین پور، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی. *مشاور مدرسه*، ۵(۴)، ۵-۱۳.
- حنیفی، فریبا و امینی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سبک‌های مقابله‌ای با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران. *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۸(۲)، ۸۹-۱۰۸.
- زکی، محمدعلی. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی نقش عوامل اجتماعی، رضایت اجتماعی و عزت‌نفس بر موفقیت تحصیلی. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۲، ۲۱-۴۲.
- رضانژاد، محمد طاهر؛ رضانژاد، تیمور؛ نوریان، خیرالله؛ غفاریان، حمیدرضا و حسن‌زاده، نسرین. (۱۳۹۳). ارتباط بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی و افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج. *ارمغان دانش*، ۱۹(۲)، ۱۸۸-۱۹۴.
- زمینی، سهیلا؛ حسینی‌نسب، سید داوود و هاشمی نصرت آباد، تورج. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش راهبردهای برنامه‌ریزی عصبی-کلامی بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱(۳)، ۵۱-۵۹.
- سراوانی، س. (۱۳۸۹). *بررسی میزان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۹*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.

- سلملیان، زهره و کاظم‌نژاد، احسان. (۱۳۹۳). همبستگی عزت‌نفس با موفقیت تحصیلی در دانشجویان. *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۲۴(۷۱)، ۴۰-۴۷.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۷). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: آگاه.
- شولتز، د؛ و شولتز، س. (۲۰۰۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی سید محمدی (۱۳۸۳). تهران: ویرایش.
- شریعتمدار، آسیه؛ و نعیمی، مریم. (۱۳۹۴). پیش‌بینی انگیزه پیشرفت تحصیلی از طریق سبک‌های مقابله‌ای با مشکلات نوجوانان. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۹(۳۱)، ۱۹۱-۲۱۰.
- صالحی، شایسته؛ یارقلی، راحله و متقی، مینو. (۱۳۹۲). رابطه راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی با موفقیت تحصیلی در دروس نظری داخلی جراحی پرستاری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳(۲)، ۶۱۶-۶۲۸.
- ظریف‌قاسمیان، نعیمه. (۱۳۹۵). واکاوی رابطه مطالعه آزاد بر میزان موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. *فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۱(۲)، ۵۷-۷۵.
- قنبرپورعالم، ضرغام؛ فرح‌بخش، کیومرث و اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه روابط خانوادگی دانش‌آموزان موفق و ناموفق در تحصیل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸(۳۱)، ۳۳۷-۳۵۳.
- لطفی‌عظیمی، افسانه؛ افروز، غلامعلی؛ درتاج، فریبرز و نعمت‌طاوسی، محترم. (۱۳۹۴). نقش مسند مهارگری و خودکارآمدی در پیش‌بینی انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۹(۳۱)، ۱-۱۸.
- مولازاده، علیرضا؛ حمایلی، حمیرا؛ غلامی، محمدسعید؛ مرتضوی، احمدرضا؛ دولتخواه، حمیدرضا و قدسی، رقیه. (۱۳۹۳). ارتباط سلامت عمومی و انگیزه پیشرفت با موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا در سال ۱۳۹۲. *مجله دانشکده علوم پزشکی نیشابور*، ۲(۴)، ۵۴-۶۱.
- هژبریان، هانیه؛ بیگدلی، ایمان‌اله؛ نجفی، محمود و رضایی، علی محمد. (۱۳۹۳). ارائه الگوی روان‌شناختی شکوفایی انسان بر اساس نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۳۴(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۰.

هوارث، د؛ و فیشر، پ. (۲۰۰۸). *ازدواج موفق و خانواده سالم*. ترجمه به پژوه (۱۳۸۸). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

یاراحمدی، یحیی و مرادی، امید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ادراک حمایت از سوی خانواده، معلمان و دوستان و باورهای خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین.

یوسفی، علیرضا؛ قاسمی، غلامرضا و فیروزنیا، سمانه. (۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۱)، ۷۹-۸۵.

Beane, J. A. (1991). Sorting out the self-esteem controversy. *Educational Leadership*, 49, 25-30.

Boeree, G. (2006). *Alfred Adler*. Retrieved on from: <http://webpace.Ship.Edu/cgboer/adler.html>

Coutinho, S. A. (2007). The relationship between goals, metacognition, and academic success. *Educate*, 7(1), 39-47.

Dennis, J. M., Phinney, J. S., & Chuateco, L. I. (2005). The role of motivation, parental support, and peer support in the academic success of ethnic minority first-generation college students. *Journal of College Student Development*, 46(3), 223-236.

Henderson, B., Marx, M., & Kim, Y. (1999). Academic interests and perceived competence in American, Japanese, and Korean children. *Journal of cross-cultural psychology*, 30(1), 32-50.

Iglesia, G., Stover, J. B., & Liporace, M. F. (2014). Perceived social support and academic achievement in Argentinean college students. *Europe's Journal of Psychology*, 10(4), 637-649.

Kessler, R. C., Foster, M. P. H., Saunders, W. B., & Stang, P. E. (1995). Social consequences of psychiatric disorders I: educational attainment. *American Journal of Psychiatry*, 152, 71026-71032.

Lewis, G. (2003). NLP practitioner course for teaching & learning. The Newsletter of the NLP in Education. Net work, Issue, 2.

Lockett, C. T., & Harrell, J. P. (2003). Racial identity, self-esteem, and academic achievement: Too much interpretation, too little supporting data. *Journal of Black Psychology*, 29(3), 325-336.

Mackinnon, S. P. (2012). Perceived social support and academic achievement: Cross-lagged panel and bivariate growth curve analyses. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(4), 474-485.

Márquez, P. G. O., Martín, R. P., & Brackett, M. A. (2006). Relating emotional intelligence to social competence and academic

- achievement in high school students. *Psicothema*, 18 (Suplemento), 118-123.
- Mihaela, P.L. (2015). Psychological factors of academic success. *Social and Behavioral Sciences* 180, 1632-1637.
- Ruus, V. R., Veisson, M., Leino, M., Ots, L., Pallas, L., Sarv, E. S., & Veisson, A. (2007). Students' well-being, coping, academic success, and school climate. *Social Behavior and Personality*, 35(7), 919-936.
- Snyder, C. R., Shorey, H. S., Cheavens, J., Pulvers, K. M., Adams III, V. H., & Wiklund, C. (2002). Hope and academic success in college. *Journal of educational psychology*, 94(4), 820.
- Trapmann, S., Hell, B., Hirn, J. O. W., & Schuler, H. (2007). Meta-analysis of the relationship between the Big Five and academic success at university. *Journal of Psychology*, 215(2), 132-151.
- Turkum, A. S., Kiltas, A., Biyik, N., & Yemenici, B. (2005). The investigation of university student perceptions about family functioning. *International Review*, 5(1), 253-262.
- Valentine, J. C., DuBois, D. L., & Cooper, H. (2004). The relation between self-beliefs and academic achievement: A meta-analytic review. *Educational Psychologist*, 39(2), 111-133.
- Van Ameringen, M., Mancini, C., & Farvolden, P. (2003). The impact of anxiety disorders on educational achievement. *Journal of anxiety disorders*, 17(5), 561-571.
- Williford, H. (2009). The Relationship between Emotional Intelligence and Academic Achievement in Eleventh Graders. Retrieved 10, November, 2009 from: <http://www.nadasisland.com>.
- Zahed-Babelan, A., & Moenikia, M. (2010). The role of emotional intelligence in predicting students' academic achievement in distance education system. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 1158-1163.
- ZAHEDANI, Z. Z., REZAEI, R., YAZDANI, Z., BAGHERI, S., & NABEIEI, P. (2016). The influence of parenting style on academic achievement and career path. *Journal of advances in medical education & professionalism*, 4(3), 130.